استاندارد حسابداري 37

ابزارهای مالی: افشا

|  |  |
| --- | --- |
| **فهرست مندرجات** |  |
|  | **شماره بند** |
| * هدف | **1** |
| * دامنه كاربرد | **4 - 2** |
| * اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی | **19 - 5** |
| * صورت وضعیت مالی | **16 - 6** |
| طبقات داراییهای مالی و بدهیهای مالی | 6 |
| تهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی | 12 - 7 |
| وثیقه | 13 |
| کاهش ارزش بابت زیانهای اعتباری | 14 |
| نکول و نقض | 16 - 15 |
| * سایر موارد افشا | **19 - 17** |
| ارزش منصفانه | 19 - 17 |
| * ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی | **32 - 20** |
| * افشاهای کیفی | **23** |
| * افشاهای کمّی | **32 - 24** |
| ریسک اعتباری | 28 - 26 |
| ریسک نقدینگی | 29 |
| ریسک بازار | 32 - 30 |
| * انتقال داراییهای مالی | **40 - 33** |
| * داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت نشده‌اند | **36** |
| * داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت شده‌اند | **39 - 37** |
| * اطلاعات تکمیلی | **40** |
| * تاریخ اجرا | **41** |
| * مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی | **42** |
| **فهرست مندرجات** |  |
|  | **شماره بند** |
| * پیوستها |  |
| * پیوست الف: اصطلاحات تعریف شده |  |
| * پیوست ب: رهنمود بکارگیری |  |

هدف

1. هدف این استاندارد، الزام واحدهای تجاری به افشای اطلاعاتی در صورتهای مالی است تا استفاده‌‌کنندگان بتوانند موارد زیر را ارزیابی کنند:

الف. اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالي واحد تجاری؛ و

ب. ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، که واحد تجاری طی دوره و در پایان دوره‌ گزارشگری در معرض آنها قرار دارد و نحوه مدیریت این ریسکها توسط واحد تجاری.

دامنه کاربرد

2. این استاندارد باید توسط تمام واحدهای تجاری، برای انواع ابزارهای مالی به جز موارد زیر بکار گرفته شود:

الف. منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص که حسابداری آنها طبق استاندارد حسابداری 18 صورتهاي مالي تلفيقي و حسابداري سرمايه گذاري در واحدهاي تجاري فرعي، استاندارد حسابداری 20 سرمايه‌گذاري در واحدهاي تجاري وابسته یا استاندارد حسابداری 23 حسابداری مشارکتهای خاص انجام می‌گیرد.

ب . حقوق و تعهدات كارفرمايان در طرحهاي مزاياي كاركنان، که استاندارد حسابداری 33 مزایای بازنشستگی کارکنان برای آنها کاربرد دارد.

پ . قرارداد‌هاي بيمه صادرشده توسط بیمه‌گر طبق تعريف استاندارد حسابداری 28 فعالیتهای بیمه عمومی.

ت . ابزار‌هايي كه طبق بند‌هاي 12 و 13 يا 14 و 15 استاندارد حسابداري 36 ابزارهای مالی: ارائه، بايد به عنوان ابزار‌هاي مالکانه طبقه‌بندي شوند.‌

3. این استاندارد برای ابزارهای مالی شناسایی‌شده و شناسایی‌نشده کاربرد دارد. ابزارهای مالی شناسایی‌شده، شامل داراییهای مالی و بدهیهای مالی مانند سرمایه‌گذاریها، دریافتنی‌ها، پرداختنی‌ها و وامهای دریافتنی یا پرداختنی است که در صورت وضعیت مالی منعکس شده است. ابزارهای مالی شناسایی‌نشده، شامل برخی ابزارهای مالی است که اگرچه در صورت وضعیت مالی منعکس نشده است، اما در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند (مانند برخی تعهدات وام).

4. این استاندارد، در مورد قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی كه به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالي دیگر، يا از طریق مبادله ابزار‌هاي مالي قابل تسويه است، کاربرد دارد.

اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی

5. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که استفاده‌کنندگان صورتهای مالی بتوانند اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی واحد تجاری را ارزیابی کنند.

صورت وضعیت مالی

طبقات داراییهای مالی و بدهیهای مالی

6. مبالغ دفتری هر یک از طبقات زیر، باید در صورت وضعیت مالی یا در یادداشتهای توضیحی افشا شود:

الف. سرمایه‌گذاریها؛

ب. وامها و دریافتنی‌ها؛

پ. سایر داراییهای مالی؛ و

ت. بدهیهای مالی

تهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی

7. موارد افشاي مندرج در بند‌های 8 تا 11، ساير الزامات افشاي اين استاندارد را تكميل مي‌كند و براي تمام ابزار‌هاي مالي شناسايی‌شده كه طبق بند 44 استاندارد حسابداري 36 تهاتر می‌شوند، الزامي است. همچنين، اين موارد افشا براي ابزار‌هاي مالي شناسايي‌شده‌ای که مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال يا توافقی مشابه می‌شوند، صرف‌نظر از اينكه طبق بند 44 استاندارد حسابداري 36 تهاتر شده‌ باشند یا خیر، کاربرد دارد.

8. واحد تجاري بايد اطلاعاتی افشا کند که برای استفاده‌كنندگان صورتهاي مالي، امکان ارزیابی تأثیر بالفعل یا بالقوه توافقهای خالص‌سازی بر وضعیت مالی واحد تجاری را فراهم نماید. این افشا شامل تأثیر بالفعل یا بالقوه حق تهاتر مرتبط با داراييهای مالی شناسایی‌شده و بدهيهاي مالي شناسايي‌شده واحد تجاري است كه در دامنه کاربرد بند 7 قرار مي‌گيرند.

9. برای دستیابی به هدف مندرج در بند 8، واحد تجاري بايد در پايان دوره گزارشگري، اطلاعات كمّي زير را براي داراييهای مالي شناسایی‌شده و بدهيهاي مالي شناسايي‌شده‌ای كه در دامنه کاربرد بند 7 قرار مي‌گيرند، به تفکیک افشا کند:

الف. مبالغ ناخالص داراييهای مالي شناسایی‌شده و بدهيهاي مالي شناسايي‌شده؛

ب. مبالغي كه طبق معیارهای مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36، هنگام تعيين مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعيت مالي، تهاتر شده‌اند؛

پ. مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعيت مالي؛

ت. مبالغ مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال يا توافقی مشابه، كه به طریقی دیگر، مشمول بند 9(ب) نمی‌شوند، شامل:

1. مبالغ مربوط به ابزار‌هاي مالي شناسايي‌شده‌ای كه تمام یا برخي معیارهای تهاتر مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36 را احراز نمی‌کنند؛ و

2. مبالغ مربوط به وثيقه مالي (شامل وثيقه‌ نقدی)؛ و

ث. یک مبلغ خالص پس از كسر مبالغ مندرج در قسمت (ت) از مبالغ مندرج در قسمت (پ) اشاره‌شده در بالا.

اطلاعات الزامی طبق اين بند بايد به شكل جدول، بطور جداگانه برای داراييهای مالی و بدهيهاي مالي ارائه شود؛ مگر اينكه شكل‌ ديگري مناسب‌تر باشد.

10. كل مبلغ افشا‌شده طبق بند 9(ت) براي یک ابزار مالی، بايد محدود به مبلغ مندرج در بند 9(پ) براي آن ابزار مالی باشد.

11. واحد تجاري بايد به همراه افشای حقوق تهاتر مربوط به داراييهای مالی شناسایی‌شده و بدهيهاي مالي شناسايي‌شده مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال و توافقهای مشابه كه طبق بند 9(ت) افشا شده‌اند، توضیحی شامل ماهيت اين حقوق، ارائه نماید.

12. در صورت نیاز به افشای اطلاعات الزامی طبق بند‌هاي 8 تا 11 در بيش از يك يادداشت توضيحي، واحد تجاري بايد بين يادداشتها، عطف متقابل برقرار کند.

وثیقه

13. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. مبلغ دفتری داراییهای مالی که به عنوان وثیقه بدهیها یا بدهیهای احتمالی در رهن قرار گرفته است؛ و

ب. مفاد و شرایط مربوط به وثیقه‌گذاری.

کاهش ارزش بابت زیانهای اعتباری

14. زمانی که داراییهای مالی به دلیل زیانهای اعتباری، کاهش ارزش می‌یابند و واحد تجاری کاهش ارزش را به جای کاهش مستقیم مبلغ دفتری دارایی، در حساب جداگانه‌ای ثبت می‌‌کند (برای مثال، از حساب ذخیره کاهش ارزش برای ثبت کاهش ارزش تک‌تک داراییها و یا از حساب مشابهی برای کاهش ارزش مجموعه‌ای از داراییها استفاده می‌کند)، باید صورت تطبیق تغییرات آن حساب طی دوره را برای هر طبقه از داراییهای مالی افشا کند.

نکول و نقض

15. واحد تجاری باید در مورد وامهای پرداختنی شناسایی‌شده در پایان دوره گزارشگری، موارد زیر را افشا کند:

الف. جزئیات هرگونه نکول اصل و سود و همچنین، شرایط بازخرید وامهای پرداختنی مزبور طی دوره؛

ب. مبلغ دفتری وامهای پرداختنی نکول‌شده در پایان دوره گزارشگری؛ و

پ. اینکه پیش از تأیید صورتهای مالی برای انتشار، نکول رفع شده است یا درباره شرایط وامهای پرداختنی مذاکره مجدد صورت گرفته است.

16. اگر به غیر از موارد مطرح‌شده در بند 15، شرایط مربوط به موافقت‌نامه وام، طی دوره نقض شود، در صورتی که موارد نقض‌شده به وام‌دهنده اجازه دهد بازپرداخت سریع‌تر را درخواست نماید، واحد تجاری باید اطلاعات الزامی طبق بند 15 را افشا کند (مگر اينكه در پايان دوره گزارشگری يا پیش از آن، موارد نقض‌شده رفع، يا درباره شرايط وام، مذاكره مجدد صورت گرفته باشد).

سایر موارد افشا

ارزش منصفانه

17. به استثنای موارد الزامی طبق بند 18، واحد تجاری باید ارزش منصفانه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را به‌گونه‌ای افشا کند که امکان مقایسه با مبلغ دفتری آنها فراهم شود.

18. افشای ارزش منصفانه در موارد زیر الزامی نیست:

الف. زمانی که مبلغ دفتری ابزارهای مالی مانند دریافتنی‌ها و پرداختنی‌های تجاری کوتاه‌مدت، تقریب معقولی از ارزش منصفانه آنها باشد؛

ب. سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه‌ای که دارای قیمت اعلام‌شده برای دارايي يا بدهي یکسان در بازاری فعال نیستند یا ابزارهای مشتقه وابسته به این‌گونه ابزارهای مالکانه که به دلیل عدم امکان تعیین ارزش منصفانه آنها به‌گونه‌ای قابل اتکا، به بهای تمام شده اندازه‌گیری شده‌اند؛ یا

پ. قراردادی که دارای ویژگی مشارکت اختیاری است، مشروط بر اینکه امکان تعیین ارزش منصفانه آن ويژگي به‌گونه‌ای قابل اتکا، وجود نداشته نباشد.

19. درخصوص موارد مطرح‌شده در بند 18(ب) و (پ)، واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، برای اعمال قضاوت درباره میزان تفاوتهای احتمالی بین مبلغ دفتری و ارزش منصفانه آن داراییهای مالی یا بدهیهای مالی کمک نماید؛ این اطلاعات شامل موارد زیر است:

الف. این موضوع که اطلاعات ارزش منصفانه ابزارهای مزبور، به این دلیل که امکان تعیین ارزش منصفانه آنها به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل وجود نداشته، افشا نشده است؛

ب. شرحی از ابزارهای مالی، مبلغ دفتری آنها، و توضیحی درباره اینکه به چه دلیل امکان تعیین ارزش منصفانه به گونه‌ای قابل اتکا وجود نداشته است؛

پ. اطلاعات درباره بازار ابزارهای مورد نظر؛

ت. اطلاعات درباره اینکه واحد تجاری قصد واگذاری ابزارهای مالی را دارد یا خیر و چگونگی انجام این کار؛ و

ث. موضوع قطع شناخت ابزارهای مالی که امکان تعیین ارزش منصفانه آنها در گذشته، به‌گونه‌ای قابل اتکا وجود نداشته است، مبلغ دفتری آنها در زمان قطع شناخت، و مبلغ سود یا زیان شناسایی‌شده.

ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی

20. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی در ارزیابی ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی كه واحد تجاري در پایان دوره گزارشگری در معرض آنها قرار می‌گیرد، کمک نماید.

21. افشاهای الزامی طبق بندهای 23 تا 32، بر ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی و نحوه مدیریت آنها تمرکز می‌کند. این ریسکها، بطور معمول، شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار است، اما محدود به این موارد نمی‌شود.

22. فراهم آوردن موارد افشای كيفي به همراه افشاهاي كمّي، به استفاده‌كنندگان امکان برقراری ارتباط بین افشاهای مرتبط را می‌دهد و در نتیجه، تصويري كلي از ماهيت و ميزان ریسکهای ناشي از ابزار‌هاي مالي ارائه می‎کند. تعامل بين افشاهای كيفي و كمّي، به افشاي اطلاعات كمك مي‌كند و استفاده‌كنندگان بهتر می‌توانند آسیب‌‌پذیری از ریسکها را ارزیابی کنند.

افشاهای کیفی

23. واحد تجاری باید برای هر یک از انواع ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، موارد زیر را افشا کند:

الف. آسیب‌پذیری از ریسکها و نحوه ایجاد آنها؛

ب. اهداف، رویه‌ها و فرایندهای مدیریت ریسک و روشهای مورد استفاده برای اندازه‌گیری ریسک؛ و

پ. هرگونه تغییر در قسمتهای (الف) یا (ب) نسبت به دوره قبل.

افشاهای کمّی

24. واحد تجاری باید برای هر یک از انواع ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، موارد زیر را افشا کند:

الف. خلاصه‌ای از اطلاعات کمّی درباره آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک مورد نظر در پایان دوره گزارشگری. این افشا باید مبتنی بر اطلاعات درون‌سازمانی تهیه‌شده برای مدیران اصلی واحد تجاری (طبق تعریف مندرج در استاندارد حسابداری 12 افشای اطلاعات اشخاص وابسته)، برای مثال هیئت‌مدیره یا مدیر عامل واحد تجاری، باشد.

ب. افشاهای الزامی طبق بندهای 26 تا 32، به میزانی که طبق قسمت (الف) ارائه نشده باشد.

پ. تمرکز ریسک، در صورتی که بر اساس افشاهای ارائه‌شده طبق قسمتهای (الف) و (ب) بالا، مشخص نباشد.

25. چنانچه اطلاعات کمّی افشا‌شده در پایان دوره گزارشگری، معرف آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک طی دوره نباشد، واحد تجاری باید اطلاعات بیشتری ارائه کند که معرف این موضوع باشد.

ریسک اعتباری

26. واحد تجاری باید موارد زیر را بر مبنای طبقات ابزارهای مالی افشا کند:

الف. مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر میزان آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری در پایان دوره گزارشگری را بدون در نظر گرفتن هرگونه وثیقه نگهداری‌شده یا سایر روشهای افزایش اعتبار، نشان دهد (برای مثال توافقهای خالص‌سازی که واجد شرایط تهاتر طبق استاندارد حسابداری 36 نمی‌باشند). اين افشا براي ابزار‌هاي مالي كه مبلغ دفتري آنها به بهترين شکل حداكثر ميزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری را نشان مي‌دهد، الزامي نيست.

ب. شرحي از وثيقه نگهداري‌شده به عنوان تضمین و ساير روشهای افزایش اعتبار و اثر مالي آنها (براي مثال، بيان عددي ميزان کاهش ریسک اعتباری به واسطه وثيقه و سایر روشهای افزایش اعتبار) در ارتباط با مبلغي كه به بهترين شکل، حداكثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباري را نشان مي‌دهد (صرف‌نظر از اینکه طبق قسمت (الف) بالا يا از طریق مبلغ دفتری ابزار مالي، افشا شده باشد).

پ. اطلاعات درباره کیفیت اعتباری داراییهای مالی که نه از تاریخ سررسید آنها گذشته است و نه کاهش ارزش یافته‌اند.

داراییهای مالی که یا از تاریخ سررسید آنها گذشته است یا کاهش ارزش یافته‌اند

27. واحد تجاری باید موارد زیر را بر مبنای طبقات داراییهای مالی افشا کند:

الف. تجزیه و تحلیل سنی داراییهای مالی که در پایان دوره گزارشگری از تاریخ سررسید آنها گذشته است، اما کاهش ارزش نیافته‌اند؛ و

ب. تجزیه و تحلیل داراییهای مالی که در پایان دوره گزارشگری، به صورت انفرادی به عنوان داراییهای کاهش ارزش‌یافته تعیین شده‌اند، به همراه عواملی که واحد تجاری در تعیین کاهش ارزش آنها در نظر گرفته است.

کسب وثیقه‌ و سایر روشهای افزایش اعتبار

28. زمانی که واحد تجاری، طی دوره، داراییهای مالی یا غیرمالی را از طریق تملک وثیقه نگهداری‌شده به عنوان تضمین یا استفاده از سایر روشهای افزایش اعتبار (مثل تضمینها) به دست آورد و چنین داراییهایی معیارهای شناخت مندرج در سایر استانداردها را احراز کنند، واحد تجاری باید در تاریخ گزارشگری، موارد زیر را در مورد داراییهای نگهداری‌شده مزبور افشا کند:

الف. ماهیت و مبلغ دفتری داراییها؛ و

ب. در صورتی که داراییها از نقدشوندگی بالایی برخوردار نباشند، خط مشی واحد تجاری برای واگذاری این داراییها یا استفاده از آنها در عملیات واحد تجاری.

ریسک نقدینگی

29. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. تجزیه سررسید بدهیهای مالی (شامل قرار‌داد‌هاي تضمین مالي صادرشده) که سررسیدهای قراردادی باقیمانده را نشان دهد.

ب. تشریح نحوه مدیریت ریسک نقدینگی مندرج در قسمت (الف) بالا.

ریسک بازار

تحلیل حساسیت

30. به جز مواردی که طبق بند 31 عمل می‌شود، واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. تحليل حساسيت براي هر یک از انواع ریسکهای بازار كه واحد تجاري در پايان دوره گزارشگري در معرض آن قرار می‌گیرد. این تحلیل حساسیت بیانگر نحوه تأثیرپذیری سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه از تغییر در متغیر ریسک مربوط، که در آن تاریخ بطور معقول محتمل است، می‌باشد؛

ب. روشها و مفروضات مورد استفاده در آماده‌سازی تحلیل حساسیت؛ و

پ. تغییر در روشها و مفروضات مورد استفاده نسبت به دوره قبل و دلایل این تغییرات.

31. در صورتي كه واحد تجاري از نوعی تحليل حساسيت، مانند ارزش در معرض ریسک، استفاده کند که بیانگر وابستگي متقابل متغير‌هاي ریسک (مانند نرخهای سود و نرخهای مبادله ارز) باشد و از آن براي مديريت ریسکهای مالي استفاده نماید، واحد تجاري می‌تواند از این تحليل حساسيت، به جاي تحليل مورد نظر بند 30 استفاده کند. واحد تجاري بايد موارد زير را نيز افشا نماید:

الف. توضیح درباره روش مورد استفاده در انجام این تحلیل حساسیت و پارامترها و مفروضات عمده مبنای اطلاعات ارائه‌شده؛ و

ب. توضیح هدف روش مورد استفاده، و محدودیتهایی که ممکن است موجب شود اطلاعات، ارزش منصفانه داراييها و بدهيها را بطور کامل منعکس نکند.

سایر افشاهای مربوط به ریسک بازار

32. در صورتی که تحلیل حساسیت افشاشده طبق بندهای 30 یا 31، معرف ریسک ابزار مالی نباشد (برای مثال، به دلیل اینکه آسیب‌پذیری از ریسک پایان سال، بازتابی از آسیب‌پذیری از ریسک طی سال نیست)، واحد تجاری باید این موضوع و دلیل اینکه چرا معتقد است تحلیل حساسیت بیانگر این ریسک نمی‌باشد را افشا کند.

انتقال داراییهای مالی

33. الزامات افشای مندرج در بندهای 34 تا 40 در مورد انتقال داراییهای مالی، سایر الزامات افشای این استاندارد را تکمیل می‌کند. واحد تجاری باید افشاهای الزامی طبق بندهای مزبور را در یادداشتی مجزا، در صورتهای مالی خود ارائه نماید. واحد تجاری باید برای تمام داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که قطع شناخت نشده‌اند و بابت هرگونه مشارکت مستمر در دارایی انتقال‌یافته که، صرف‌نظر از زمان وقوع معامله انتقال مربوط، در تاریخ گزارشگری موجود است، افشاهای الزامی را ارائه کند. به منظور بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای اشاره‌شده بالا، واحد تجاری تنها در صورتی تمام یا بخشی از دارایی مالی را انتقال داده است (دارایی مالی انتقال‌یافته) که یا:

الف. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی آن دارایی مالی را انتقال داده باشد؛ یا

ب. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی آن دارایی مالی را حفظ کرده باشد، اما طبق توافق، متعهد به پرداخت همان جریانهای نقدی به یک یا چند دریافت‌کننده طبق یک توافق باشد.

34. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، موارد زیر را امکانپذیر سازد:

الف. درک رابطه بین داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت نشده‌اند و بدهیهای مربوط؛ و

ب. ارزیابی ماهیت، و ریسکهای مربوط به مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده.

35. برای مقاصد بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای 37 تا 40، واحد تجاری در صورتی در دارایی مالی انتقال‌یافته مشارکت مستمر دارد که به عنوان بخشی از آن انتقال، تمام حقوق قراردادی یا تعهدات مرتبط با دارایی مالی انتقال‌یافته را حفظ یا هرگونه حقوق یا تعهدات قراردادی جدید مرتبط با دارایی مالی انتقال‌یافته را به دست آورده باشد. برای مقاصد بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای مزبور، موارد زیر مشارکت مستمر محسوب نمی‌شود:

الف. اقرارنامه‌ها و ضمانت‌نامه‌های معمول مرتبط با انتقال متقلبانه و مفاهیم معقول بودن، معاملات صادقانه و منصفانه که می‌تواند انتقال را در نتیجه اقدام قانونی، ابطال کند؛

ب. پیمانهای آتی، اختیار‌های معامله و سایر قراردادهای تحصیل مجدد دارایی مالی انتقال‌یافته که قیمت قرارداد (یا قیمت اعمال) آنها، برابر با ارزش منصفانه دارایی مالی انتقال‌یافته است؛ یا

پ. توافقی که به موجب آن، واحد تجاری حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی دارایی مالی را حفظ کرده است، اما برای پرداخت همان جریانهای نقدی به اشخاص ثالث، تعهد قراردادی تقبل کرده و هر سه شرط زیر احراز شده است:

1. واحد تجاري هيچ تعهدي براي پرداخت مبالغي به دريافت‌كنندگان نهايي نداشته باشد مگر اینکه مبالغ معادل را از دارايي اصلی وصول نماید. پيش‌پرداختهاي كوتاه‌مدت توسط واحد تجاري با حق بازيافت كامل مبالغ وام اعطایی به اضافه سود تحقق‌یافته به نرخهاي بازار، اين شرط را نقض نمي‌كند.

2. واحد تجاري طبق شرايط قرار‌داد انتقال، از فروش يا وثيقه‌ گذاشتن دارايي اصلی، مگر به عنوان تضمین نزد دریافت‌کنندگان نهایی بابت تعهد پرداخت جريانهاي نقدي به آنها، منع شده باشد.

3. واحد تجاري متعهد باشد هرگونه جريانهای نقدی وصولي به نمايندگي از دريافت‌كنندگان نهايي را بدون تأخير بااهمیت ارسال نماید. افزون بر این، واحد تجاري، به استثنای سرمایه‌گذاری در نقد يا معادلهای نقد (طبق تعريف استاندارد حسابداري 2 صورت جريانهای نقدی) طی دوره كوتاه تسويه از تاريخ وصول تا تاريخ مقرر برای ارسال به دريافت‌كنندگان نهايي، حق سرمايه‌گذاري مجدد اين جريانهاي نقدي را نداشته باشد و سود كسب‌شده چنين سرمايه‌گذاريهايی به دريافت‌كنندگان نهايي انتقال داده ‌شود.

داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت نشده‌اند

36. واحد تجاری ممکن است داراییهای مالی را به‌گونه‌ای انتقال دهد که تمام داراییهای مالی انتقال‌یافته یا بخشی از آنها، واجد شرایط قطع شناخت نشود. برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده در بند 34(الف)، واحد تجاری باید در هر تاریخ گزارشگری، برای هر یک از طبقات داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت نشده‌اند، موارد زیر را افشا کند:

الف. ماهیت داراییهای انتقال‌یافته.

ب. ماهیت ریسکها و مزایای مالکیت که واحد تجاری در معرض آن قرار دارد.

پ. تشریح ماهیت رابطه بین داراییهای انتقال‌یافته و بدهیهای مربوط، شامل محدودیتهای استفاده از داراییهای انتقال‌یافته توسط واحد گزارشگر، در نتیجه انتقال.

ت. در صورتی که طرف(های) بدهیهای مربوط، تنها نسبت به داراییهای انتقال‌یافته حق رجوع داشته باشد (باشند)، جدولی که ارزش منصفانه داراییهای انتقال‌یافته، ارزش منصفانه بدهیهای مربوط و وضعیت خالص (تفاوت بین ارزش منصفانه داراییهای انتقال‌یافته و بدهیهای مربوط) را مشخص می‌کند.

ث. در صورتی که واحد تجاری به شناسایی تمام داراییهای انتقال‌یافته ادامه دهد، مبلغ دفتری داراییهای انتقال‌یافته و بدهیهای مربوط.

ج. در صورتی که واحد تجاری به میزان مشارکت مستمر خود، به شناسایی داراییها ادامه دهد، کل مبلغ دفتری داراییهای اصلی پیش از انتقال، مبلغ دفتری داراییهایی که واحد تجاری به شناسایی آنها ادامه می‌دهد، و مبلغ دفتری بدهیهای مربوط.

داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت شده‌اند

37. برای دستیابی به اهداف تعیین شده در بند 34(ب)، در صورتی که واحد تجاری داراییهای مالی انتقال‌یافته را بطور کامل قطع شناخت کرده باشد، اما در آنها مشارکت مستمر داشته باشد، واحد تجاری باید برای هر نوع مشارکت مستمر در هر تاریخ گزارشگری، حداقل موارد زیر را افشا کند:

الف. مبلغ دفتری داراییها و بدهیهایی که در صورت وضعیت مالی واحد تجاری شناسایی شده است و نشان‌دهنده مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده می‌باشد و اقلام اصلی که مبلغ دفتری آن داراییها و بدهیها، در آن اقلام شناسایی می‌شود.

ب. ارزش منصفانه داراییها و بدهیهایی که نشان‌دهنده مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده است.

پ. مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر میزان آسیب‌پذیری واحد تجاری از زیان ناشی از مشارکت مستمر در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده را نشان می‌دهد و اطلاعاتی که نحوه تعیین حداکثر میزان آسیب‌پذیری از زیان را مشخص می‌کند.

ت. جریانهای نقدی خروجی تنزیل‌نشده که برای بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت‌شده لازم است یا ممکن است لازم شود (برای مثال، قیمت اعمال در قرارداد اختیار معامله)، یا مبالغ دیگری که در ارتباط با داراییهای انتقال‌یافته، قابل پرداخت به انتقال‌گیرنده است. در صورتی که جریانهای نقدی خروجی متغیر باشد، مبلغ افشاشده باید بر مبنای شرایط موجود در هر تاریخ گزارشگری باشد.

ث. تجزیه سررسید جریانهای نقدی خروجی تنزیل‌نشده که برای بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت‌شده، لازم است یا ممکن است لازم شود، یا مبالغ دیگری که در ارتباط با داراییهای انتقال‌‌یافته، قابل پرداخت به انتقال‌گیرنده است. این مورد افشا نشان‌دهنده سررسیدهای قراردادی باقیمانده مشارکت مستمر واحد تجاری است.

ج. اطلاعات کیفی برای توصیف و پشتیبانی افشاهای کمّی الزامی طبق قسمتهای (الف) تا (ث).

38. در صورتي كه واحد تجاري بيش از يك نوع مشارکت مستمر در دارايي مالي قطع شناخت‌شده داشته باشد، ممكن است اطلاعات الزامی طبق بند 37 را در ارتباط با یک دارايي خاص تجميع کند و آن را به عنوان یک نوع مشارکت مستمر گزارش نماید.

39. افزون بر این، واحد تجاري بايد براي هر نوع مشارکت مستمر، موارد زير را افشا کند:

الف. سود يا زيان شناسایی‌شده در تاريخ انتقال داراييها.

ب. درآمدها و هزينه‌های شناسایی‌شده ناشي از مشارکت مستمر واحد تجاری در داراييهاي مالي قطع شناخت‌شده (براي مثال، تغيير در ارزش منصفانه ابزار‌هاي مشتقه)، هم در دوره گزارشگري و هم به صورت انباشته.

پ. در صورتي كه كل عواید حاصل از فعاليت انتقال (كه واجد شرایط قطع شناخت است) در دوره گزارشگري، در طول دوره گزارشگری بطور يكنواخت توزيع نشده باشد (براي مثال، اگر بخش عمده‌‌ای از كل عواید حاصل از فعاليت انتقال در روزهاي پاياني دوره گزارشگري واقع شود):

1. زمان وقوع بزرگترين فعاليت انتقال در آن دوره گزارشگري (براي مثال، پنج روز قبل از پايان دوره گزارشگري)،

2. مبلغ شناسایی‌شده حاصل از فعاليت انتقال در آن بخش از دوره گزاشگري (براي مثال سودها يا زيانهای مربوط)، و

3. كل مبلغ عواید حاصل از فعاليت انتقال در آن بخش از دوره گزارشگري.

واحد تجاري بايد اين اطلاعات را براي هر دوره‌اي كه صورت سود و زيان ارائه مي‌شود، تهيه کند.

اطلاعات تکمیلی

40. واحد تجاری باید هرگونه اطلاعات اضافی را که برای دستیابی به اهداف افشای مندرج در بند 34 ضروری می‌داند، افشا کند.

# تاريخ‌ اجرا

41 . الزامات‌ اين‌ استاندارد در مورد كليه‌ صورتهاي‌ مالي‌ كه‌ دوره‌ مالي‌ آنها از تاريخ‌ 1/1/1398 و بعد از آن‌ شروع‌ مي‌شود، لازم‌الاجراست‌.

# مطابقت‌ با استانداردهاي‌ بين‌المللي‌ گزارشگری مالی‌

42 . با اجراي‌ الزامات‌ اين‌ استاندارد، مفاد استاندارد بين‌المللي‌ گزارشگری مالی 7 ابزارهای مالی: افشا (ویرایش 2017)، به استثنای بندهای 9 تا 12الف و 20 تا 24، رعايت‌ مي‌شود.

پيوست الف

اصطلاحات تعریف‌شده

**این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد است.**

|  |  |
| --- | --- |
| ریسک اعتباری | ریسک اینکه یک طرف ابزار مالی، به دلیل عدم ایفای تعهد، موجب زیان مالی طرف دیگر ‌شود. |
| ریسک واحد پول | ریسک نوسان‌ ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در نرخهای مبادله ارز. |
| ریسک نرخ **سود** | ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در نرخهای سود. |
| ریسک نقدینگی | ریسک اینکه واحد تجاری در ایفای تعهدات مربوط به بدهیهای مالی که از طریق تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر تسویه می‌شود، دچار مشکل شود. |
| وامهای پرداختنی | وامهای پرداختنی، بدهیهای مالی به غیر از پرداختنی‌های تجاری کوتاه‌مدت در شرايط اعتباري عادی است. |
| ریسک بازار | ریسک نوسان‌ ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در قیمتهای بازار. ریسک بازار از سه نوع ریسک تشکیل شده است: ریسک واحد پول، ریسک نرخ سود و ریسک سایر قيمتها. |
| ریسک سایر قیمتها | ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی، به دلیل تغییر در قیمتهای بازار (به غیر از تغییرات ناشی از ریسک نرخ سود یا ریسک واحد پول)، صرف‌نظر از اینکه آن تغییرات در اثر عوامل خاص آن ابزار مالی یا ناشر آن، یا عوامل تأثیر‌گذار بر تمام ابزارهای مالی مشابه معامله‌شده در بازار ایجاد ‌شود. |
| سررسید گذشته | دارایی مالی در صورتی سررسید گذشته محسوب می‌شود که طرف مقابل در تاریخ سررسید قرارداد، از پرداخت آن خودداری کرده باشد. |

اصطلاحات زیر، در بند 7 استاندارد حسابداری 36 تعریف شده و با معانی مشخص‌شده در استاندارد حسابداري 36 بكار رفته است.

|  |
| --- |
| ابزار مالکانه |
| ارزش منصفانه |
| دارایی مالی |
| ابزار مالی |
| بدهی مالی |

پيوست ب

رهنمود بکارگیری

**این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد است.**

ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی (بندهای 20 تا 32)

ب1. افشاهای الزامی طبق بندهای 20 تا 32، باید در صورتهای مالی یا از طریق عطف متقابل از صورتهای مالی به سایر گزارشها، مانند گزارش فعالیت هیئت مدیره یا گزارش ریسک که با همان شرایط صورتهای مالی و در همان تاریخ در دسترس استفاده‌کنندگان صورتهای مالی قرار می‌گیرد، ارائه شود. بدون اطلاعات ارائه‌شده با عطف متقابل، صورتهای مالی کامل نیست.

افشاهای کمّی (بند 24)

ب2. بند 24(الف)، افشای خلاصه داده‌های کمّی درباره آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسکها بر مبنای اطلاعات درون‌سازمانی ارائه‌شده به مدیران اصلی واحد تجاری را الزامی می‌کند. هرگاه واحد تجاری برای مدیریت آسیب‌پذیری از ریسک، چندین روش را مورد استفاده قرار دهد، باید اطلاعات را با استفاده از روش یا روشهایی افشا کند که مربوط‌ترین و قابل اتکاترین اطلاعات را فراهم می‌کند. استاندارد حسابداری 34 رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات درخصوص مربوط بودن و قابل اتکا‌ بودن بحث می‌کند.

ب3. بند 24(پ)، افشا درباره تمرکز ریسک را الزامی می‌کند. تمرکز ریسک، ناشی از ابزارهای مالی است که ویژگیهای مشابه دارند و بطور مشابهی تحت تأثیر تغییر در شرایط اقتصادی يا سایر شرایط قرار می‌گیرند. تشخیص تمرکز ریسک، مستلزم قضاوت با در نظر گرفتن شرایط واحد تجاری است. افشای تمرکز ریسک باید شامل موارد زیر باشد:

الف. تشریح نحوه تعیین تمرکز ریسک توسط مدیریت؛

ب. تشریح ویژگیهای مشترکی که هر تمرکز ریسک را مشخص می‌کند (مانند طرف مقابل، حوزه جغرافیایی، واحد پول، یا بازار)؛ و

پ. میزان آسیب‌پذیری از ریسک مرتبط با تمام ابزارهای مالی دارای آن ویژگی مشترك.

حداکثر آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری (بند 26(الف))

ب4. بند 26(الف)، افشای مبلغی که به بهترین شکل، بیانگر حداکثر میزان آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری است را الزامی می‌کند. این مبلغ برای یک دارایی مالی، عموماً برابر با مبلغ دفتری ناخالص، پس از کسر موارد زیر است:

الف. تمام مبالغ تهاتر‌شده طبق استاندارد حسابداری 36؛ و

ب. هرگونه زیان کاهش ارزش شناسایی‌شده.

ب5. فعالیتهایی که منجر به ریسک اعتباری می‌شود و حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری مربوط، شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نمی‌شود:

الف. اعطاي وام به مشتریان و سپرده‌گذاری نزد سایر واحدهای تجاری. در این موارد، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری، معادل مبلغ دفتری داراییهای مالی مربوط است.

ب. انعقاد قراردادهای مشتقه، مانند قراردادهای مبادله ارزی، سواپهای نرخ سود و ابزارهای مشتقه‌ اعتباری. هرگاه دارایی ایجادشده به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شود، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری در پایان دوره گزارشگری، برابر با مبلغ دفتری آن دارایی خواهد بود.

پ. اعطای تضمینهای مالی. در این مورد، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری، بیشترین مبلغی است که اگر تضمین به اجرا گذاشته شود، ممکن است واحد تجاری مجبور به پرداخت آن شود. مبلغ مزبور ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از مبلغ شناسایی‌شده به عنوان بدهی باشد.

ت. اعطای تعهدات وام که در طول مدت وام غیرقابل فسخ است یا تنها در واکنش به تغییر نامطلوب بااهمیت، قابل فسخ می‌شود. اگر ناشر نتواند تعهدات وام را به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر تسویه کند، حداکثر میزان آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری برابر با مبلغ کامل تعهد است، زیرا تعهدات وام استفاده‌نشده که ممکن است در آینده مورد استفاده قرار گیرد، مشخص نیست. این مبلغ ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از مبلغ شناسایی‌شده به عنوان بدهی باشد.

افشاهای کمّی ریسک نقدینگی (بندهای 24(الف) و 29(الف))

ب6. طبق بند 24(الف)، واحد تجاري خلاصه داده‌های كمّي درباره آسیب‌پذیری از ریسک نقدينگي را بر مبناي اطلاعات درون‌سازماني ارائه‌شده به مديران اصلي افشا مي‌كند. واحد تجاري بايد نحوه تعيين این داده‌ها را توضيح دهد. در صورتي كه جريانهاي نقدی خروجی (يا دارايي مالي ديگر) منظور‌شده در آن داده‌ها:

الف. بسيار زودتر از انعکاس در آن داده‌ها، واقع شده باشد، يا

ب. مربوط به مبالغی بسيار متفاوت از مبالغ ارائه‌شده در آن داده‌ها باشد (براي مثال در مورد ابزار مشتقه‌اي كه در داده‌های مربوط به تسويه به صورت خالص منظور شده است اما طرف مقابل، اختيار دارد تسویه ناخالص آن ابزار را الزامی نماید)،

واحد تجاري بايد اين موضوع را بیان کند و اطلاعات كمّي را ارائه نماید که ارزیابی میزان این ریسک را برای استفاده‌كنندگان صورتهاي مالي فراهم کند، مگر اينكه اين اطلاعات در تجزيه سررسيد قرار‌دادي طبق بند 29(الف)، مد نظر قرار گرفته باشد.

ب7. هنگام تجزیه سررسید طبق بند 29(الف)، واحد تجاری برای تعیین تعداد بازه‌های زمانی مناسب، از قضاوت خود استفاده می‌کند. برای مثال، ممکن است از نظر واحد تجاری بازه‌های زمانی زیر مناسب باشد:

الف. کمتر از یک ماه؛

ب. بین یک ماه تا سه ماه؛

پ. بین سه ماه تا یک سال؛ و

ت. بین یک سال تا پنج سال.

ب8. بند 29(الف) واحد تجاري را ملزم مي‌کند تجزيه سررسيد بدهيهاي مالي را كه نشان‌دهنده سررسيد‌هاي قرار‌دادي باقيمانده براي برخي بدهيهاي مالي است، افشا کند. در اين افشا:

الف. هنگامی كه طرف مقابل، حق تعیین زمان پرداخت را داشته باشد، بدهي به نزديكترين دوره‌اي تخصيص می‌یابد كه واحد تجاري ممكن است ملزم به پرداخت شود. براي مثال، بدهيهاي مالي كه واحد تجاري ممكن است با درخواست طرف مقابل ملزم به پرداخت آنها شود(مانند سپرده‌هاي ديداري)، در اولين بازه زماني قرار مي‌گيرند.

ب. هرگاه واحد تجاري متعهد به پرداخت مبالغ به صورت مرحله‌ای باشد، مبلغ هر مرحله به اولين دوره‌اي تخصيص می‌یابد كه ممكن است واحد تجاري در آن دوره ملزم به پرداخت شود. براي مثال، تعهدات وام استفاده‌نشده، در بازه زماني دربردارنده اولين تاريخي كه ممکن است در آن تاریخ استفاده شود، قرار می‌گیرد.

پ. براي قرار‌داد‌هاي تضمین مالي صادرشده، حداكثر مبلغ تضمین به اولين دوره‌اي تخصیص می‌یابد كه ممکن است در آن دوره تضمین به اجرا گذاشته شود.

ب9. مبالغ قراردادي قابل افشا در تجزيه سررسيد، که طبق بند 29(الف) الزامي شده است، جريانهاي نقدي قرار‌دادي تنزيل‌نشده است، براي مثال:

الف. تعهدات ناخالص اجاره تأمين مالي (قبل از كسر هزينه‌هاي تأمين مالي)؛

ب. قيمتهاي تعيين‌شده در موافقت‌نامه‌های آتي براي خريد نقدی داراييهاي مالي؛

پ. مبالغ خالص براي ”پرداخت شناور/دريافت ثابت“ سواپهای نرخ سود كه جريانهاي نقدي خالص آنها مبادله مي‌شود؛

ت. مبالغ قرار‌دادي قابل مبادله در یک ابزار مالي مشتقه (براي مثال سواپ واحد پول) كه با جريانهاي نقدي ناخالص مبادله مي‌شود؛ و

ث. تعهدات ناخالص وام.

اين جریانهای نقدي تنزيل‌نشده با مبالغي كه در صورت وضعيت مالي ارائه می‌شوند، تفاوت دارند، زيرا مبالغ درج‌شده در آن صورت وضعیت مالي، بر مبناي جريانهاي نقدي تنزيل‌شده است. زماني كه مبلغ قابل پرداخت ثابت نباشد، مبلغ قابل افشا، بر حسب شرايط موجود در پايان دوره گزارشگري تعيين مي‌شود. براي مثال، زماني كه مبلغ قابل پرداخت با تغييرات یک شاخص تغيير مي‌كند، مبلغ قابل افشا ممكن است مبتنی بر سطح آن شاخص در پايان دوره باشد.

ب10. بند 29(ب) واحد تجاري را ملزم می‌کند نحوه مديريت ریسک نقدينگي مربوط به اقلام قابل افشا در افشاهاي كمّي الزامی طبق بند‌ 29(الف) را توضیح دهد. در صورتي كه اطلاعات تجزیه سررسيد داراييهاي مالي نگهداري‌شده براي مديريت ریسک نقدينگي (براي مثال، داراييهاي مالي كه به آسانی قابل فروش است يا انتظار مي‌رود جريانهاي نقدی ورودي براي تأمين جريانهاي نقدی خروجي مربوط به بدهيهاي مالي ايجاد کند)، به استفاده‌كنندگان صورتهاي مالي در ارزیابی ماهیت و میزان ریسک نقدینگی كمك كند، واحد تجاري بايد اين اطلاعات را افشا نماید.

ب11. ساير عواملي كه واحد تجاري ممکن است در خصوص افشا‌هاي الزامی طبق بند 29(ب) مدنظر قرار ‌دهد شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نمی‌شود. آیا واحد تجاری:

الف. براي تأمين نياز‌هاي نقدينگي می‌تواند به تسهيلات اعتباری تعهد‌شده (مانند تسهيلات اسناد تجاري) يا ساير خطوط اعتباري (مانند تسهيلات اعتباري با مقاصد خاص) دسترسی داشته باشد؛

ب. براي تأمين نياز‌هاي نقدينگي، سپرده‌هايي را نزد بانكهای مركزي نگهداري می‌کند؛

پ. منابع نقدینگی بسيار متنوعی دارد؛

ت. تمرکز زیاد ریسک نقدينگي در داراييها يا منابع نقدینگی خود دارد؛

ث. براي مديريت ریسک نقدينگي، فرايندهای كنترل داخلي و طرحهاي اضطراری دارد؛

ج. ابزار‌هايي دارد كه دربردارنده شرايط بازپرداخت سریع ‌باشد (براي مثال در زمان کاهش رتبه اعتباري واحد تجاري)؛

چ. ابزار‌هايي دارد كه بتواند انتقال وثیقه را الزامي کند (براي مثال، تقاضای سپرده بابت ابزار‌هاي مشتقه)؛

ح. ابزار‌هايي دارد كه به آن واحد اجازه دهد بين تسويه بدهيهای مالی از طریق تحویل نقد (يا دارايي مالي دیگر) يا از طریق تحویل سهام خود، انتخاب کند؛

خ. ابزار‌هايي دارد كه مشمول توافقهای خالص‌سازی جامع شود.

ریسک بازار- تحلیل حساسیت (بندهای 30 و 31)

ب12. بند 30(الف)، تحلیل حساسیت را برای هر یک از انواع ریسکهای بازار که واحد تجاری در معرض آن قرار دارد، الزامی می‌کند. واحد تجاری درباره چگونگی تجميع اطلاعات برای ارائه تصویر کلی، اطلاعات برخوردار از ویژگیهای متفاوت درباره آسیب‌پذیری از ریسکهای ناشی از محیط‌های اقتصادی بسيار متفاوت را ترکیب نمی‌کند. برای مثال:

الف. واحد تجاری که ابزارهای مالی را معامله می‌کند، ممکن است این اطلاعات را برای ابزارهای مالی نگهداری‌شده برای مبادله و ابزارهای مالی که برای مبادله نگهداری نشده‌اند، بطور جداگانه افشا‌ نماید.

ب واحد تجاری، آسیب‌پذیری از ریسکهای بازار ناشی از حوزه‌های با تورم حاد را با آسیب‌پذیری خود از همان ریسکهای بازار در حوزه‌های با تورم بسیار اندک، تجمیع نمی‌کند.

اگر واحد تجاری تنها در معرض یک نوع ریسک بازار در یک محیط اقتصادی قرار گیرد، اطلاعات را به صورت تفکیک‌شده نشان نمی‌دهد.

ب13. بند 30(الف)، تحلیل حساسیت را برای نشان دادن تأثیر تغییرات محتمل و معقول متغیر ریسک **مربوط (مانند نرخهای سود رایج در بازار، نرخهای ارز، قیمت ابزارهای مالکانه یا قیمت کالاها) بر سود یا زیان** دوره و حقوق مالکانه الزامی می‌کند. به همین منظور:

الف. واحدهای تجاری ملزم به تعیین سود یا زیان دوره با فرض متفاوت بودن متغیرهای ریسک مربوط، نیستند. در مقابل، واحدهای تجاری با این فرض که تغییر محتمل و معقول در متغیر ریسک مربوط در پایان دوره گزارشگری اتفاق افتاده و بر میزان آسیب‌پذیری از ریسک موجود در آن تاریخ اثر گذاشته است، اثر آن را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه در پایان دوره گزارشگری افشا می‌کنند. برای مثال، اگر واحد تجاری در پایان سال بدهی با نرخ شناور داشته باشد، اثر آن بر سود یا زیان (یعنی هزینه مالی) سال جاری را با این فرض که نرخهاي سود با مبالغ محتمل و معقول تغيير مي‌كند، افشا می‌نماید.

ب. واحد‌هاي تجاري ملزم نیستند که اثر هر تغيير در متغير ریسک مربوط، که در دامنه تغييرات محتمل و معقول است، را بر سود یا زيان دوره و حقوق مالکانه افشا کنند. افشاي آثار تغييرات در محدوده دامنه محتمل و معقول، كافي است.

ب14. برای تعیین اینکه کدام تغییرات، تغییر محتمل و معقول در متغیر ریسک مربوط تلقی می‌شود، واحد تجاری باید موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. محیطهای اقتصادی که در آن فعالیت می‌کند. تغییر محتمل و معقول، نباید شامل وضعیتهای بعید یا ”بدترین مورد“ یا ”آزمونهای تنش“ باشد. افزون بر این، اگر نرخ تغيير در متغیر ریسک مربوط، ثابت باشد، ضرورتی ندارد واحد تجاری در تغییر محتمل و معقول متغیر ریسک انتخابی، تغییر ایجاد کند. برای مثال، فرض کنید که نرخ سود 5 درصد است و واحد تجاری نوسان محتمل و معقول نرخ سود را 5/0± واحد مبنا تعیین کرده است. در صورت تغییر نرخ سود به 5/4 درصد یا 5/5 درصد، واحد تجاری اثر این تغییر را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا می‌کند. در دوره بعد، نرخهای سود به 5/5 درصد افزایش می‌یابد. واحد تجاری همچنان بر این باور است که نوسان نرخ سود 5/0± واحد مبنا است (یعنی نرخ تغییر در نرخ سود ثابت است). واحد تجاری در صورت تغییر نرخ سود به 5 درصد یا 6 درصد، اثر این تغییر را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا می‌کند. واحد تجاری ملزم نیست که در ارزیابی خود از نوسان محتمل و معقول 5/0± درصدی در نرخهای سود، تجدیدنظر به عمل آورد، مگر اینکه شواهدی وجود داشته باشد که نشان دهد نرخ سود به میزان قابل ملاحظه‌ای نوسان‌پذیرتر شده است.

ب. چارچوب زمانی که ارزیابی در آن انجام می‌شود. تحلیل حساسیت باید آثار تغییراتی که در آن دوره محتمل و معقول به نظر می‌رسد را تا زماني كه واحد تجاري اين تغييرات را در آينده افشا مي‌كند، که معمولاً دوره گزارشگری سالانه بعدی است، نشان دهد.

ب15. طبق بند 31، در صورتي كه واحد تجاري از تحليل حساسيت براي مديريت آسیب‌پذیری از ریسکهای مالي استفاده كند، مجاز است از نوعی تحليل حساسیت، مانند روش ارزش در معرض ریسک، که وابستگي متقابل بین متغير‌هاي ریسک را انعکاس می‌دهد، استفاده كند. این کار حتی در صورتی که روش مزبور تنها احتمال زیان را اندازه‌گیری نماید و احتمال سود را اندازه‌گیری نکند، کاربرد دارد. این واحد تجاری ممکن است به منظور انطباق با بند 31(الف)، نوع مدل ارزش در معرض ریسک مورد استفاده (برای مثال، اینکه مدل مورد استفاده، وابسته به شبیه‌سازی مونت‌کارلو است یا خیر)، تشریح نحوه کاربرد مدل و مفروضات اصلی آن (مانند دوره نگهداری و سطح اطمینان) را افشا کند. همچنین، واحدهای تجاری می‌توانند دوره تاریخی مشاهده و وزنهای اختصاص داده‌شده به مشاهدات آن دوره، تشریح نحوه برخورد با گزینه‌های انتخابي در محاسبات و نوع نوسانها و همبستگیهای مورد استفاده (یا به عنوان راهکار جایگزین، شبیه‌سازی توزیع احتمال مونت‌کارلو) را افشا کنند.

ب16. واحد تجاری باید تحلیل حساسیت را برای کل فعالیتهای تجاری خود ارائه نماید، اما ممکن است انواع متفاوتی از تحلیل حساسیت را برای طبقات مختلف ابزارهای مالی ارائه کند.

ریسک نرخ سود

ب17. ریسک نرخ سود، ناشی از ابزارهای مالی دارای نرخ سود است که در صورت وضعیت مالی شناسایی شده‌اند (مانند وامها و دریافتنی‌ها و ابزارهای بدهی منتشرشده) و نیز ناشی از برخی ابزارهای مالی است که در صورت وضعیت مالی شناسایی نشده‌اند (مانند برخی تعهدات وام).

ریسک واحد پول

ب18. ریسک واحد پول (یا ریسک مبادله ارز) ناشی از ابزارهای مالی است که برحسب ارز، یعنی واحد پولی غیر از واحد پول عملیاتی بیان می‌شوند. این استاندارد، ریسک واحد پول ابزارهای مالی غیرپولی یا ابزارهای مالی که برحسب واحد پول عملیاتی بیان می‌شوند را شامل نمی‌شود.

ب19. برای هر واحد پولی که واحد تجاری به میزان قابل ملاحظه‌ای در معرض ریسک آن قرار می‌گیرد، تحلیل حساسیت افشا می‌شود.

ریسک سایر قیمتها

ب20. ریسک سایر قیمتها به علت تغییر در مواردی مانند قیمت کالاها یا قیمت ابزارهای مالکانه، در ارتباط با ابزارهای مالی ایجاد می‌شود. واحد تجاری به منظور انطباق با بند 30، ممکن است اثر کاهش در شاخص بازار سهام، قیمت کالا یا متغیر دیگر ریسک را افشا کند. برای مثال، اگر واحد تجاری بابت ارزش باقیمانده داراییها، تضمینهایی ارائه نماید که خود، ابزار مالی باشند، هرگونه افزایش یا کاهش در ارزش داراییهای تضمین‌شده افشا می‌شود.

ب21. دو نمونه از ابزارهای مالی که منجر به ریسک قیمت ابزارهای مالکانه می‌شود، عبارتند از (الف) در اختیار داشتن ابزارهای مالکانه واحد تجاری دیگر و (ب) سرمایه‌گذاری در صندوقی که اقدام به نگهداری سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه می‌کند. مثالهای دیگر شامل پیمانهای آتی و اختیارهای خرید یا فروش تعداد مشخصی از یک نوع ابزار مالکانه و سواپهای وابسته به قیمت حقوق مالکانه است. ارزش منصفانه چنین ابزارهای مالی، تحت تأثیر تغییرات در قیمت بازار ابزارهای مالکانه پایه است.

ب22. طبق بند 30(الف)، حساسیت سود یا زیان دوره، جدا از حساسیت حقوق مالکانه افشا مي‌شود.

ب23. ابزارهای مالی که واحد تجاری آنها را به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی می‌کند، تجدید اندازه‌گیری نمی‌شوند. سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه، هیچ ‌یک تحت تأثیر ریسک قیمت آن ابزارها قرار نمی‌گیرد. بر این اساس، نیازی به انجام تحلیل حساسیت نمی‌باشد.

قطع شناخت (بندهای 35 تا 40)

مشارکت مستمر (بند 35)

ب24. برای مقاصد الزامات افشاي مندرج در بند‌هاي 37 تا 40، ارزيابي مشارکت مستمر در دارايي مالي انتقال‌یافته، در سطح واحد گزارشگر صورت مي‌گيرد. براي مثال، اگر واحد تجاری فرعي، دارايي مالي را كه واحد تجاری اصلی مشارکت مستمر در آن دارد، به شخص ثالث غیروابسته انتقال دهد، واحد تجاری فرعي، مشارکت مستمر واحد تجاری اصلی را در ارزيابي اينكه مشارکت مستمر در دارايي انتقال‌یافته دارد یا خیر، در صورتهاي مالي جداگانه‌ یا منفرد خود مد نظر قرار نمی‌دهد (يعني زماني كه واحد تجاری فرعي واحد گزارشگر باشد). با وجود اين، واحد تجاری اصلی، مشارکت مستمر خود (يا مشارکت مستمر عضو ديگري از گروه) در دارايي مالي انتقال‌یافته توسط واحد تجاری فرعي را، براي تعيين اينكه در دارايي انتقال‌یافته، مشارکت مستمر دارد یا خیر، در صورتهاي مالي تلفيقي مد نظر قرار می‌دهد (يعني زماني كه واحد گزارشگر، گروه است).

ب25. در صورتي كه، به عنوان بخشي از انتقال، واحد تجاري هيچ‌گونه حقوق يا تعهدات قراردادی مرتبط با دارايي مالي انتقال‌یافته را حفظ نكند و هيچ‌گونه حقوق يا تعهدات قرار‌دادي جديدی در ارتباط با دارايي مالي انتقال‌یافته به دست نیاورد، واحد تجاري مشارکت مستمر در دارايي مالي انتقال‌یافته ندارد. در صورتي كه واحد تجاري هيچ‌گونه منافعي در عملكرد آتي دارايي مالي انتقال‌یافته نداشته باشد و تحت هيچ شرايطي، در آینده مسئوليتي براي پرداخت در ارتباط با دارايي‌ مالي انتقال‌یافته نداشته باشد، واحد تجاري مشارکت مستمر در دارايي مالي انتقال‌یافته ندارد. اصطلاح ”پرداخت“ در این متن، شامل جریانهای نقدی دارایی مالی انتقال‌یافته که واحد تجاری وصول می‌کند و ملزم است آن را به انتقال‌گیرنده پرداخت نماید، نمی‌باشد.

ب26. هنگامی که واحد تجاری یک دارایی مالی را انتقال می‌دهد، ممکن است حق ارائه خدمت به آن دارایی مالی را در ازای دریافت کارمزدی که برای مثال در یک قرارداد خدماتی درج می‌شود، حفظ کند. واحد تجاری، برای مقاصد الزامات افشا قرارداد خدماتی را طبق رهنمود مندرج در بندهای 35 و ب25 ارزیابی می‌کند تا تعیین نماید که در نتیجه این قرارداد خدماتی مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته دارد یا خیر. برای مثال، در صورتی که کارمزد ارائه خدمت، وابسته به مبلغ یا زمانبندی جریانهای نقدی وصول‌شده از دارایی مالی انتقال‌یافته باشد، ارائه‌دهنده خدمت برای مقاصد الزامات افشا، همچنان مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال‌یافته دارد. همچنین، در صورتی که به دلیل عدم ایفای تعهد دارایی مالی انتقال‌یافته، کارمزد ثابت بطور کامل پرداخت نشود، ارائه‌دهنده خدمت، برای مقاصد الزامات افشا از مشارکت مستمر برخوردار است. در این مثالها، ارائه‌دهنده خدمت در عملکرد آتی دارایی مالی انتقال‌یافته، منافعی دارد. این ارزیابی، مستقل از این است که آیا انتظار می‌رود کارمزدی که قرار است دریافت شود، به میزان کافی خدمات را جبران کند یا خیر.

ب27. مشارکت مستمر در دارايي مالي انتقال‌یافته، ممكن است از شرايط قرار‌دادي مندرج در توافق انتقال يا توافق جداگانه با انتقال‌گيرنده يا شخص ثالثي كه در ارتباط با انتقال ورود کرده است، ناشی شود.

داراييهاي مالي انتقال‌یافته‌ای كه بطور كامل قطع شناخت نشده‌اند (بند 36)

ب28. طبق بند 36، در صورتی که تمام یا بخشی از داراييهاي مالي انتقال‌یافته، واجد شرايط قطع شناخت نشوند، برخی موارد افشا الزامی می‌شود. اين افشا، صرف‌نظر از زمان انتقال، در هر تاريخ گزارشگري كه واحد تجاري همچنان به شناخت داراييهاي مالي انتقال‌یافته ادامه ‌می‌دهد، الزامي است.

انواع مشارکت مستمر (بند‌هاي 37 تا 40)

ب29. طبق بند‌هاي 37 تا 40، افشاهاي كمّي و كيفي براي هر نوع مشارکت مستمر در داراييهاي مالي قطع شناخت‌شده، الزامي است. واحد تجاري بايد مشارکت مستمر خود را در انواع مشارکتهایی تجميع کند كه بيانگر آسیب‌پذیری واحد تجاري از ریسکها ‌باشد. براي مثال، واحد تجاري ممكن است مشارکت مستمر خود را بر اساس نوع ابزار مالي (مانند تضمینها يا اختيارهای خريد) يا بر اساس نوع انتقال (مانند فروش دریافتنی‌ها، به وثیقه‌گذاشتن اوراق بهادار يا قرض دادن اوراق بهادار) تجميع کند.

تجزيه و تحليل سررسيد جريانهاي نقدی خروجي تنزيل‌نشده براي بازخريد داراييهاي انتقال‌یافته (بند 37(ث))

ب30. طبق بند 37(ث)، واحد تجاري باید تجزيه و تحليل سررسيد جريانهاي نقدی خروجي تنزيل‌نشده به منظور بازخريد داراييهاي مالي قطع شناخت‌شده يا ساير مبالغ قابل پرداخت به انتقال‌گیرنده در ارتباط با داراييهاي مالي انتقال‌یافته را افشا كند و سررسيد‌هاي قرار‌دادي باقيمانده مربوط به مشارکت مستمر واحد تجاري را نشان دهد. اين تجزيه و تحليل، بين جريانهاي نقدي كه الزاماً بايد پرداخت شود (مانند پیمانهای آتي)، جريانهاي نقدي كه ممكن است واحد تجاري ملزم به پرداخت شود (مانند اختيارهای فروش صادر‌شده) و جريانهاي نقدي كه واحد تجاری ممكن است پرداخت آنها را انتخاب نماید (مانند اختيارهای خريد خريداري‌شده)، تمايز قائل می‌شود.

ب31. واحد تجاري براي تعيين تعداد بازه‌های زماني مناسب به منظور تجزيه سررسيد طبق بند 37(ث)، باید از قضاوت خود استفاده کند. براي مثال، ممكن است واحد تجاری بازه‌هاي زماني زير را مناسب تشخیص دهد:

الف. كمتر از يك ماه؛

ب. بين يك ماه تا سه ماه؛

پ. بين سه ماه تا شش ماه؛

ت. بين شش ماه تا يك سال؛

ث. بين يك سال تا سه سال؛

ج. بين سه سال تا پنج سال؛

چ. بيش از پنج سال.

ب32. در صورتي كه دامنه‌‌ای از سررسیدهای محتمل وجود داشته باشد، جريانهاي نقدي بر مبناي نزديكترين تاريخي در نظر گرفته می‌شود كه واحد تجاري ملزم يا مجاز به پرداخت است.

اطلاعات كيفي (بند 37(ج))

ب33. اطلاعات كيفي الزامی طبق بند 37(ج)، شرحی از دارايیهاي مالي قطع شناخت‌شده و ماهيت و هدف مشارکت مستمر حفظ‌شده پس از انتقال داراييها را شامل می‌شود. اين اطلاعات، تشریح ریسکهایی از جمله موارد زیر است كه واحد تجاري در معرض آن قرار می‌گیرد:

الف. تشریح نحوه مديريت ریسک مرتبط با مشارکت مستمر در داراييهاي مالي قطع شناخت‌شده.

ب. اينكه واحد تجاري ملزم به تحمل زيانها قبل از طرفهاي مقابل است یا خیر، و رتبه‌بندي و مبلغ زيانهاي تحمل‌شده توسط طرفهايي كه منافع آنها در رتبه پایینتری نسبت به منافع واحد تجاري در دارايي قرار می‌گیرد (یعنی مشارکت مستمر آن در دارایی).

پ. تشریح هرگونه عامل مرتبط با تعهد به ارائه پشتيباني مالی يا تعهد به بازخريد دارايي مالي انتقال‎‌یافته.

سود يا زيان قطع شناخت (بند 39(الف))

ب34. طبق بند 39(الف)، واحد تجاري باید سود يا زيان قطع شناخت داراييهای مالي كه واحد تجاري در آنها مشارکت مستمر دارد را افشا كند. در صورتی که سود يا زيان قطع شناخت، به دليل تفاوت بين ارزش منصفانه اجزاي دارايي شناسايي‌شده در گذشته (يعني منافع در دارايي قطع شناخت‌شده و منافع حفظ‌شده توسط واحد تجاري) و ارزش منصفانه کل دارايي شناسايي‌شده در گذشته ایجاد شود، واحد تجاري بايد این موضوع را افشا كند. در چنين شرايطي، واحد تجاري همچنین بايد افشا كند كه آيا اندازه‌گيري ارزش منصفانه، شامل داده‌های ورودی بااهميت مبتنی بر داده‌هاي غیرقابل مشاهده در بازار می‌باشد یا خیر.

اطلاعات تكميلي (بند 40)

ب35. افشاهاي الزامی طبق بند‌هاي 36 تا 39، ممكن است براي دستيابي به اهداف افشای مندرج در بند 34 كافي نباشد. در اين‌گونه موارد، واحد تجاري بايد هرگونه اطلاعات اضافي كه برای دستیابی به اهداف افشا ضروري می‌باشد را افشا كند. واحد تجاري بايد با توجه به شرايط خود تصميم بگيرد که چه ميزان اطلاعات اضافي براي تأمين نياز‌هاي اطلاعاتي استفاده‌كنندگان لازم است و تا چه ميزان باید بر ابعاد مختلف اطلاعات اضافي تأكيد ‌كند. ايجاد توازن بين صورتهاي مالي حاوي جزئيات بسيار زياد كه ممكن است به استفاده‌كنندگان صورتهاي مالي كمك نكند و پنهان كردن اطلاعات در نتيجه تجميع بيش از اندازه آن، ضروري است.

تهاتر داراييهاي مالي و بدهيهاي مالي (بندهای 7 تا 12)

دامنه کاربرد (بند 7)

ب36. موارد افشاي مندرج در بند‌هاي 8 تا 11، براي تمام ابزار‌هاي مالي شناسايي‌شده كه طبق بند 44 استاندارد حسابداري 36 تهاتر مي‌شوند، الزامي است. افزون بر این، در صورتي كه ابزار‌هاي مالي، مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال يا توافق مشابهی باشند كه ابزار‌ها و معاملات مالي مشابه را دربرمي‌گيرد، صرف‌نظر از اينكه ابزار‌هاي مالي طبق بند 44 استاندارد حسابداری 36 تهاتر ‌شوند يا خير، آن ابزار‌هاي مالي در دامنه الزامات افشاي مندرج در بند‌هاي 8 تا 11 قرار مي‌گيرند.

ب37. توافقهای مشابه كه در بند‌هاي 7 و ب36 به آنها اشاره شده است، شامل موافقت‌نامه‌های پایاپای مشتقه، موافقت‌نامه‌های بازخريد جامع جهاني، موافقت‌نامه‌های جامع قرض دادن اوراق بهادار در سطح جهاني و هر گونه حقوق نسبت به وثيقه‌ مالي است. ابزار‌ها و معاملات مالي مشابه كه در بند ب36 به آنها اشاره شد شامل ابزارهای مشتقه، موافقت‌نامه‌های فروش و بازخرید، موافقت‌نامه‌های فروش و بازخرید معكوس، قرض گرفتن اوراق بهادار، و موافقت‌نامه‌های قرض دادن اوراق بهادار است. نمونه‌هایی از ابزار‌هاي مالي كه در دامنه کاربرد بند 7 قرار نمي‌گیرد، شامل وامها و سپرده‌های مشتريان در یک مؤسسه (مگر اینکه در صورت وضعيت مالي تهاتر شوند)، و ابزار‌هاي مالي كه تنها، موضوع موافقت‌نامه وثيقه هستند، می‌باشد.

افشاي اطلاعات كيفي براي داراييهاي مالي شناسايي‌شده و بدهيهاي مالي شناسايي‌شده در دامنه کاربرد بند7 (بند 9)

ب38. ابزار‌هاي مالي كه طبق بند 9 افشا می‌شوند، ممكن است مشمول الزامات اندازه‌گيري متفاوتي باشند (براي مثال، مبلغ پرداختنی مربوط به یک موافقت‌نامه بازخريد ممكن است به بهاي مستهلک شده اندازه‌گيري شود، در حالي كه ابزار مشتقه به ارزش منصفانه اندازه‌گيري مي‌شود). واحد تجاري بايد ابزار‌ها را به مبلغ شناسايي‌شده افشا كند و هرگونه تفاوت حاصل از اندازه‌گيري را در افشاهاي مربوط توضیح دهد.

افشاي مبالغ ناخالص داراييهاي مالي شناسايي‌شده و بدهيهاي مالي شناسايي‌شده در دامنه کاربرد بند 7 (بند 9(الف))

ب39. مبالغ مورد درخواست بند 9(الف)، در ارتباط با ابزار‌هاي مالي شناسايي‌شده‌اي است كه طبق بند 44 استاندارد حسابداري 36 تهاتر می‌شوند. همچنين، این مبالغ، مربوط به ابزار‌هاي مالي شناسايي‌شده‌اي است كه، صرف‌نظر از احراز معیارهای تهاتر، مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال يا توافقهای مشابه مي‌باشند. با وجود اين، افشاهای الزامی طبق بند 9(الف) با مبالغ شناسايي‌شده در نتيجه موافقت‌نامه‌های وثيقه كه معیارهای تهاتر مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36 را احراز نمی‌کنند، ارتباطی ندارد. در مقابل، اين مبالغ بايد طبق بند 9(ت) افشا شود.

افشاي مبالغي كه طبق معیارهای مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36، تهاتر می‌شوند (بند 9(ب))

ب40. طبق بند 9(ب)، واحد‌هاي تجاري هنگام تعیین مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعيت مالی، باید مبالغ تهاتر‌شده طبق بند 44 استاندارد حسابداري 36 را افشا كنند. مبالغ داراييهاي مالي شناسايي‌شده و بدهيهاي مالي شناسايي‌شده كه طبق توافق يكساني مشمول تهاتر هستند، هم جزء موارد افشای دارايي مالي و هم جزء موارد افشای بدهي‌ مالي، افشا خواهند شد. با وجود اين، مبالغ افشا‌شده (براي مثال، در يك جدول) محدود به مبالغي است كه مشمول تهاتر می‌‌شوند. براي مثال، واحد تجاري ممكن است دارايي مشتقه شناسایی‌شده و بدهي مشتقه شناسایی‌شده‌ای داشته باشد كه معیارهای تهاتر مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36 را احراز می‌کنند. در صورتي كه مبلغ ناخالص دارايي مشتقه بزرگتر از مبلغ ناخالص بدهي مشتقه باشد، جدول افشاي دارايي مالي، شامل مبلغ كل دارايي مشتقه (طبق بند 9(الف)) و مبلغ كل بدهي مشتقه (طبق بند 9(ب)) خواهد بود. با وجود اين، در حالي كه جدول افشاي بدهي مالي دربرگيرنده مبلغ كل بدهي مشتقه خواهد بود (طبق بند 9(الف)، تنها مبلغي از دارايي مشتقه در این جدول نشان داده خواهد شد (طبق بند 9(ب)) كه با مبلغ بدهي مشتقه برابر باشد.

افشاي مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعيت مالي (بند 9(پ))

ب41. در صورتي كه واحد تجاري ابزار‌هايي داشته باشد كه در دامنه کاربرد اين موارد افشا (الزامی طبق بند 7) قرار گيرند، اما معیارهای تهاتر مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36 را احراز نکنند، مبالغي كه طبق بند 9(پ) باید توسط واحد تجاري افشا شود با مبالغي كه واحد تجاری طبق بند 9(الف) ملزم به افشاي آن است، برابر می‌باشد.

ب42. مبالغي كه طبق بند 9(پ) افشاي آنها الزامي است، بايد با مبالغ اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعيت مالي تطبیق داده شود. براي مثال، در صورتي كه واحد تجاري تشخیص دهد تجميع يا عدم تجميع مبالغ اقلام اصلی یک صورت مالي، اطلاعات مربوط‌‌تري فراهم مي‌كند، بايد مبالغ تجميعي يا تجميع‌نشده قابل افشا در بند 9(پ) را با مبالغ اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعيت مالي، تطبیق دهد.

افشاي مبالغ مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال يا توافق مشابه، كه به طریقی دیگر در بند 9(ب) منظور نمی‌شوند (بند 9(ت))

ب43. طبق بند 9(ت)، واحد‌هاي تجاري باید مبالغي را كه مشمول توافق خالص‌سازی جامع قابل اعمال يا توافقی مشابه می‌باشند، اما به طریقی دیگر مشمول بند 9(ب) نمی‌شوند، را افشا کنند. بند 9(ت)(1)، به مبالغ مربوط به ابزار‌هاي مالي شناسايي‌شده‌ای اشاره می‌کند كه تمام يا برخي از معیارهای تهاتر مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36 را احراز نمی‌کنند (براي مثال، حقوق فعلي تهاتر كه معیار تهاتر اشاره‌شده در بند 44(ب) استاندارد حسابداري 36 را احراز نمی‌کند، يا حقوق مشروط تهاتر كه تنها در صورت نکول، يا تنها در صورت عدم توانايي در بازپرداخت بدهیها يا ورشكستگي هر يك از طرفين، قابل اجرا و قابل اعمال است).

ب44. بند 9(ت)(2)، به مبالغی اشاره می‌کند که مربوط به وثيقه مالي، شامل وثيقه‌ نقدي دريافت‌شده و به رهن گذاشته‌شده، است. واحد تجاري بايد ارزش منصفانه ابزار‌هاي مالي كه به عنوان وثيقه به رهن گذاشته شده‌اند يا دريافت شده‌اند را افشا كند. مبالغ قابل افشا طبق بند 9(ت)(2)، بايد با وثيقه واقعي دريافت‌شده يا به رهن گذاشته‌شده، و نه با پرداختنی‌ها يا دریافتنی‌های شناسايي‌شده براي برگشت يا دريافت اين وثيقه، در ارتباط باشد.

محدوديتهاي مربوط به مبالغ افشا‌شده در بند 9(ت) (بند 10)

ب45. هنگام افشاي مبالغ طبق بند 9(ت)، واحد تجاري بايد آثار وثيقه‌ گذاشتن بيش از حد نیاز توسط ابزار مالي را در نظر بگیرد. برای این منظور، واحد تجاري بايد در ابتدا مبلغ قابل افشا طبق بند 9(ت)(1) را از مبلغ قابل افشا طبق بند 9(پ) كسر نماید. سپس، واحد تجاري بايد مبلغ قابل افشا طبق بند 9(ت)(2) را به مبلغ باقيمانده در بند 9(پ) براي ابزار‌هاي مالي مربوط محدود سازد. با وجود اين، در صورتي كه حقوق نسبت به وثيقه، از طریق ابزار‌هاي مالي قابل اعمال باشد، چنين حقوقي مي‌تواند در افشاهاي ارائه‌شده طبق بند 10 منظور شود.

تشریح حقوق تهاتر مشمول توافقهای خالص‌سازی جامع قابل اعمال و توافقهای مشابه (بند 11)

ب46. واحد تجاري بايد انواع حقوق تهاتر و توافقهای مشابه افشا‌شده طبق بند 9(ت)، شامل ماهيت اين حقوق، را توصیف کند. براي مثال، واحد تجاري بايد حقوق مشروط خود را تشریح نماید. براي ابزار‌هاي مشمول حقوق تهاتر كه مشروط به رويدادهای‌ آتي نيستند اما سایر معیارهای باقیمانده مندرج در بند 44 استاندارد حسابداري 36 را احراز نمی‌کنند، واحد تجاري بايد دليل (دلايل) عدم احراز آن معیارها را بيان كند. براي هر وثيقه مالی دريافت‌شده يا به رهن گذاشته‌شده، واحد تجاري بايد شرايط موافقت‌نامه وثيقه را توصیف كند (براي مثال، زماني که وثيقه محدود مي‌شود).

افشا برحسب نوع ابزار مالي يا برحسب طرف مقابل

ب47. افشاهاي كمّي الزامی طبق بند 9(الف) تا (ث)، ممکن است برحسب نوع ابزار مالي يا معامله گروه‌بندي شود (براي مثال، ابزارهای مشتقه، موافقت‌نامه‌های بازخريد و بازخريد معكوس يا موافقت‌نامه‌های قرض گرفتن اوراق بهادار يا قرض دادن اوراق بهادار).

ب48. به عنوان راهکار جايگزين، واحد تجاري می‌تواند افشاهاي كمّي الزامی طبق بند 9(الف) تا (پ) را برحسب نوع ابزار مالي، و افشاهاي كمّي الزامی طبق بند 9(پ) تا (ث) را برحسب طرف مقابل گروه‌بندي کند. در صورتي كه واحد تجاري اطلاعات الزامی را برحسب طرف مقابل ارائه کند، ملزم به مشخص نمودن طرف‌‌ مقابل برحسب نام نيست. اما، طبقه‌بندی طرفهاي مقابل (طرف الف، طرف ب، طرف پ، غيره) براي حفظ قابليت مقايسه در سالهاي ارائه‌شده‌، بايد در سالهای مختلف يكنواخت باشد. موارد افشاي كيفي بايد به گونه‌ای در نظر گرفته شود كه بتوان اطلاعات بيشتري درباره انواع طرفهاي مقابل ارائه داد. زماني كه افشاي مبالغ مندرج در بند 9(پ) تا (ث) بر حسب طرف مقابل ارائه می‌شود، مبالغي كه به تنهايي نسبت به كل مبلغ طرف مقابل حائز اهميت است، بايد جداگانه افشا شود و مبالغ باقيمانده طرف مقابل كه به تنهايي بااهميت نمی‌باشد، بايد با یکدیگر به عنوان يك قلم اصلی افشا شوند.

ساير

ب49. موارد افشای خاصی كه طبق بند‌هاي 9 تا 11 الزامي است، حداقل الزامات هستند. براي دستیابی به هدف بند 8، واحد تجاري با توجه به شرايط توافقهای خالص‌سازی جامع قابل اعمال و توافقهای مربوط، شامل ماهيت حقوق تهاتر و آثار بالفعل يا بالقوه آنها بر وضعيت مالي واحد تجاري، ممكن است نياز به تكميل آنها با افشا‌هاي بیشتر (كيفي) داشته باشد.